در جستجوی عدالت

زیبایی، حسن

بررسی شاخص‏های کمی رفاه اجتماعی و توزیع درآمد در ایران‏ در دوره 1384-1379 در جست و جوی عدالت

حسن زیبایی‏ از عدالت اجتماعی همواره به عنوان یکی از مهمترین‏ هدف‏ها و آرمان‏های نظام‏های تصمیم‏گیری سیاسی‏ و اقتصادی نام برده می‏شود.طوری که در بسیاری از جوامع توان فکری و منابع مالی قابل توجهی مصروف‏ نیل به این آرمان اجتماعی گردیده است.

عملکرد اقتصاد کشور در بعد تحقق عدالت اجتماعی‏ را می‏توان از طریق مطالعه تحولات توزیع درآمد،فقر، رفاه اجتماعی و یارانه‏ها به صورت شاخص‏های کمی‏ بررسی کرد.همچنین با توجه به تاکید سند چشم انداز در بخش توزیع درآمد که تاکید می‏کند"جامعه ایرانی در افق چشم‏انداز باید برخوردار از سلامت،رفاه،امنیت‏ غذایی،تامین اجتماعی،فرصت‏های برابر،توزیع‏ مناسب درآمد،نهاد مستحکم خانواده،به دور از فقر، فساد،تبعیض و بهره‏مند از محیط زیست مطلوب باشد،" سعی بر آن است تا عملکرد رفاه اجتماعی و توزیع درآمد نیز در سال اول چشم‏انداز با توجه به آمار موجود بررسی‏ گردد.

توزیع درآمد الف.نسبت هزینه دهک بالا به دهک پایین

یکی از ابزارهای متعارف برای برسی توزیع‏ امکانات معیشتی بین گروه‏های مختلف جامعه،بررسی‏ سهم این گروه‏ها از هزینه‏ها یا درآمدهاست.بدین منظور نیز به طور معمول خانوارها بر حسب سطوح درآمد یا هزینه از کمترین سطح به بالاترین سطح مرتب و سپس‏ به ده گروه مساوی تقسیم می‏شوند.بر این اساس سهم‏ هر گروه از کل محاسبه می‏شود1.دهک اول شامل کم‏ بهره‏مندترین ده درصد خانوارهاست.به ترتیب‏ دهک‏های بالاتر نشان دهنده افزایش بهره‏مندی‏ خانوارهاست.مرفه‏ترین ده درصد خانوارها در دهک‏ دهم قرار دارند.

از جمله شاخص‏های سنجش توزیع درآمد نسبت‏ هزینه دهک بالا(ثروتمندترین)به دهک پایین(فقیرترین) است.در واقع هر چه این نسبت بالا نشان دهنده‏ نا برابری بیشتر است.این نسبت در کل جامعه در دوره‏ (1379-1383)با نرخ متوسط سالانه 8/2 درصد کاهش‏ یافته و به رقم 8/16 رسیده است.همچنین این شاخص در مناطق شهری با نرخ متوسط سالانه 1/5 و در مناطق‏ روستایی با نرخ متوسط سالانه 3/3 درصد کاهش یافته‏ است.این شاخص به رغم بهبودی در مقایسه بین‏المللی‏ از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست.برای مثال بین‏المللی‏ از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست.برای مثال این‏ شاخص در اندونزی 9/7،در ترکیه 3/13،در پاکستان‏ 5/6،در تونس 7/13،در تایلند 4/12 است‏2.

ب.نسبت هزینه 20 درصد بالا به 20 درصد پایین

از آنجا که دهک‏های اول و دهم حالت‏های حدی‏ هستند،شاخص دیگری که می‏تواند برای مقایسه‏ به کار رود نسبت سهم 20 درصد بالای درآمدی به 20 درصد پایین درآمدی است.این نسبت در کل جامعه از رقم 1/10 در سال 1379 به رقم 9 در سال 1383 کاهش‏ یافته است.این نسبت در مناطق شهری با نرخ متوسط سالانه 8/0 درصد و در مناطق روستایی با نرخ متوسط سالانه 5/2 درصد طی برنامه سوم توسعه کاهش یافته‏ است.

پ.ضریب جینی

یکی دیگر از شاخص‏های تحلیل توزیع درآمد که‏ شرایط کلی توزیع(شامل گروه‏های میانی)را نشان‏ می‏دهد ضریب جینی است که هر چه به یک نزدیکتر باشد،نشان دهنده عدم تساوی بیشتر و هر چه به صفر نزدیکتر باشد،نشان دهنده توزیع بهتر درآمد است.همان‏ طور که در جدول 3 مشاهده می‏شود این شاخص در کل جامعه و به ویژه در مناطق روستایی در دوره 1379- 1383 کاهش یافته است.نکته قابل توجه این که ضریب‏ جینی در ایران بیش از آنکه به این ضریب در کشورهای‏ در حال توسعه(مالزی 492/0،برزیل 58/0،مکزیم‏ 495/0)نزدیک باشد،به ضریب جینی در برخی‏ کشورهای توسعه یافته شبیه است(آمریکا 408/0، انگلستان 36/0،استرالیا352/0)3.این مسئله نشانگر آن‏ است که توزیع امکانات زندگی بین خانوارها در ایران‏ بهتر از آن است که سطح مشابه درآمد ملی سرانه در کشورها به دست می‏دهد.البته چون ضریب جینی نحوه‏ توزیع هزینه و درآمد را بین تمامی گروه‏ها نشان می‏دهد، نتیجه‏گیری این قسمت ناقض این واقعیت نیست که‏ سهم دو دهک پایین در ایران از رقم مشابه در برخی‏ کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه کمتر و نشان دهنده شرایط نا مطلوب این گروه اجتماعی است.

جدول 1-نسبت هزینه دهک بالا به پایین‏ ماخذ:آمار بودجه خانوار مرکز آمار ایران‏ نمودار1-نسبت هزینه دهک بالایی به دهک پایین‏

جدول 2-نسبت هزینه 20 درصد بالا به 20 درصد پایین‏ ماخذ:آمار بودجه خانوار مرکز آمار ایران‏ نمودار 2-نسبت هزینه 20 درصد بالایی به 20 درصد پایینی‏

رفاه اجتماعی

از جمله شاخص‏های سنجش رفاه یک جامعه شاخص‏ رفاه اجتماعی‏4آمارتیا سن‏5است.وی شاخص رفاه‏ اجتماعی( W )را چنین تعریف می‏کند:

که در آندرآمد سرانه و G ضریب جینی است همان‏ طور که در جدول(4)مشاهده می‏گردد،در دوره 1379- 1383 شاخص رفاه اجتماعی به دلیل افزایش درآمد سرانه‏ و بهبود نسبی توزیع کلی درآمد،افزایش یافته است.این‏ شاخص به طور متوسط سالانه 8/5 درصد رشد داشته‏ است،یش‏بینی می‏شود که در سال 1384،رشد شاخص‏ رفاه اجتماعی به 7/7 درصد افزایش یابد.در مجموع‏ افزایش درآمد سرانه از یک سو و بهبود توزیع درآمد از سوی دیگر در برنامه سوم توسعه،بهبود رفاه اجتماعی را در پی داشته است.

هزینه نا خالص خانوار

مقایسه ارقام هزینه نا خالص خانوارهای شهری و روستایی نشان می‏دهد که در دوره 1379-1383 متوسط رشد هزینه سالانه خانوار شهری به قیمت‏های جاری‏ معادل 20 درصد و برای خانوار روستایی معادل 7/19 درصد بوده است،در حالی که متوسط رشد هزینه سالانه‏ به قیمت ثابت 1383 برای خانوار شهری معادل 2/5 و برای‏ خانوار روستایی معادل 9/4 درصد بوده است،در واقع اگر مصرف خانوار را تابعی از درآمد خانوار فرض کنیم طی‏ دوره فوق درآمد خانوارها بیش از تورم افزایش یافته است.

نسبت هزینه غیر خواراکی به هزینه‏های خوراکی

یکی دیگر از شاخص‏های مهم برای تغییرات سطح‏ رفاه خانوار،نسبت هزینه‏های غیر خوراکی به خوراکی‏ است.به طور معمول بالا بودن این سهم نشان دهنده‏ افزایش سطح رفاه خانوار است.همان طور که در جدول‏ (6)مشاهده می‏شود،متوسط این شاخص در دوره‏ (1379-1383)در جامعه روستایی برای سه دهک پایینی‏ به تقریب معادل یک بوده است و این بدان مفهوم است‏ که در این سه دهک خانوارها نیمی از درآمدشان را صرف‏ جدول 3-ضریب خانوار ماخذ:آمار بودجه خانوار مرکز آمار ایران‏ پیش‏بینی محقق‏ هزینه‏های خوراکی کرده‏اند،هر چند این شاخص برای‏ دهک چهارم به بعد بیشتر از یک است،اما این روند برای‏ گروه‏های مشابه در خانوارهای شهری افزایشی بوده و تفاوت فاحشی با خانوارهای روستایی دارد.به هر حال‏ باید به این نکته توجه کرد که پائین بودن این شاخص در جامعه روستایی در مقایسه با گروه‏های مشابه در جامعه‏ شهری نشان دهنده این واقعیت است که بخش عمده‏ هزینه‏های خانوارهای کم درآمد روستایی را هرینه‏های‏ خوراکی تشکیل می‏دهند و به دلیل پائین بودن درآمد این‏ گروه‏ها،میزان بهره‏مندی آنان از هزینه‏های غیر خوراکی‏ (بهداشت،تفریح،بیمه،تحصیل،..)کاهش یافته است.

موانع و مشکلات

توزیع نا برابر درآمدها:در کشور ما سهم دهک بالایی‏ (ثروتمندترین)از کل درآمدها 30 درصد و سهم دهک‏ پایین(فقیرترین)تنها 2 درصد است.یعنی نسبت دهک‏ بالا به دهک پایین 15 برابر است.این شاخص در مقایسه‏ ارقام بین‏المللی توزیع نا برابر درآمد را در دهک‏های حدی‏ منعکس می‏کند.به عنوان مثال نسبت دهک بالا به دهک‏ پایین درآمدی در کشورهای در حال توسعه پاکستان 5/6، اندونزی 9/7،تایلند 4/12،ترکیه 3/13 و برای کشورهای‏ پیشرفته فرانسه 9،سوئیس 9/8 و آلمان 9/6 است؛

نا عادلانه بودن میزان بهره‏مندی اقشار آسیب‏پذیر و محروم جامعه از یارانه‏ها در مقایسه با اقشار مرفه جامعه: برای مثال آمارها نشان می‏دهد آمارها نشان می‏دهد که سهم مصرف 30 درصد بوده جامعه از کل مصرف بنزین بالغ بر 65 درصد و یارانه مستقیم بنزین برای اقشار کم درآمد کمتر از 2 درصد بوده است،آنچه مسلم است این که کمک‏ها و حمایت‏های دولت نا کافی نیست،بلکه ناکار آمد است؛ عدم بهره‏مندی اقشار کم درآمد جامعه از امکانات‏ عمومی(اجتماعی،فرهنگی،آموزشی،اقتصادی).از عواقب عدم بهره‏مندی اقشار کم درآمد جامعه از امکانات‏ عمومی ایجاد شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی و عدم تعادل‏های منطقه‏ای بوده است؛

عدم جامعیت در ارائه خدمات امور تامین اجتماعی: بخش قابل ملاحظه‏ای از جمعیت کشور فقط در سطحی‏ محدود از خدمات درمانی برخوردار و از مزایایی همچون‏ بیمه بازنشستگی،از کار افتادگی،بیکاری،...بی بهره‏اند؛

فقدان یک نظام مالیاتی مناسب و کارآ در جهت‏ بهبود توزیع درآمدها.

محورها و گرایش‏های اصلی برنامه چهارم و ابعاد اجرائی‏ تأمین اجتماعی؛

اختصاص منابع حاصل از هدفمند کردن یارانه‏ها

جدول 4-شاخص رفاه اجتماعی طی دوره 1384-1379 ماخذ آمار،بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران-سازمان مدیریت و برنامه‏ریزی کشور،دفتر برنامه‏ریزی‏ و مدیریت اقتصاد کلان‏ پیش‏بینی محقق‏ جدول 5-متوسط هزینه سالانه خانوار شهری و روستایی-(هزار ریال) ماخذ:آمار بودجه خانوار مرکز آمار ایران‏ جهت اجرای برنامه‏های رفاه اجتماعی؛

توانمندی‏سازی مردم به منظور اصلاح فرهنگ‏ سلامت،بهبود شیوه زندگی جامعه،ترویج الگوی زندگی‏ سالم؛

هدفمند کردن فعالیت‏های حمایتی جهت‏ توانمندیسازی افراد تحت پوشش موسسات و نهادهای‏ حمایتی و ارتقای مشارکت نهادهای غیر دولتی و موسسات خیریه در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی؛

پوشش فراگیر و الزامی بیمه سلامت برای آحاد جمعیت مقیم در پهنه جفرافیایی؛

طراحی و استقرار نظام مدیریت خدمات‏ درمانی کشور با تاکید بر تأمین منابع مالی مورد نیاز مراقبت‏های اولیه بهداشتی به وسیله دولت و ارائه‏ خدمات بالینی با مشارکت دولت،بیمه‏ها و مردم؛

تلاش برای توسعه خدمات حمایتی دولت به‏ گروههای آسیب‏پذیر.

استقرار نظام شناسایی خانوارهای کم درآمد و متوسط(به منظور تسریع در هدفمند شدن یارانه‏ها)؛

کاهش سهم طبقات با درآمدهای بالا و افزایش سهم‏ طبقات با درآمد پائین از یارانه‏ها؛

جایگزین کردن تدریجی طرح‏های رفاه اجتماعی‏ به جای پرداخت یارانه؛

اصلاح قیمت‏های نسبی،به خصوص قیمت‏ حامل‏های انرژی توأم با گسترش،توسعه و بهبود حمل‏ و نقل عمومی؛

گسترش حمایت‏های اجتماعی(تامین اجتماعی، بیمه بیکاری،برابری فرصتهای شغلی برای مردان و زنان)؛

تامین حداقل معیشت گروه‏های کم درآمد و اقشار آسیب‏پذیر جامعه،شامل:بهره‏مندی از بهداشت عمومی، برخورداری از آموزش و پرورش عمومی،داشتن حداقل‏ سر پناه قابل قبول و امنیت غذایی؛

توسعه کار آفرینی و توانمندسازی فقرا و اقشار کم‏ درآمد؛

توانمندسازی جوانان،زنان،فارغ التحصیلان و سایر افراد جویای کار؛

ایجاد فرصت‏های برابر اجتماعی برای کسب‏ آموزش و مهارت و دسترسی به سرمایه‏های مالی و فیزیکی از طریق بازارهای مناسب؛

تامین منابع برای سرمایه‏گذاری زیر بنائی و محرومیت زدائی کشور و توسعه اشتغال؛

توسعه اشتغال مولد با اعطای وام از محل درآمدهای‏ حاصل(به صورت وجوه اداره شده)؛

توجه به توسعه مناطق روستایی و محروم کشور به‏ منظور رفع عدم تعادل‏های منطقه‏ای؛

تامین امنیت غذایی و بهبود تغذیه مردم و ارتقای‏ سلامت جامعه و کاهش بیماریهای ناشی از سوء تغذیه؛

ایجاد یک نظام مالیاتی مناسب و کارآ در جهت بهبود توزیع درآمدها؛

استفاده از تجربیات کشورهای موفق و پیشرو در زمینه توسعه عدالت اجتماعی و نظام تأمین اجتماعی‏ کارآ.

رییس گروه دفتر برنامه‏ریزی و مدیریت اقتصاد کلان- سازمان مدیریت و برنامه‏ریزی کشور

(1)در آمارگیری بودجه خانوار هزینه خانوار بر حسب اقلام ریز هزینه‏ مورد پرسش قرار می‏گیرد،در حالی که درآمد خانوار به صورت کلی‏ بر حسب چند منبع عمده درآمد پرسیده می‏شود.از آن جا که ارقام هزینه‏ به تفکیک صدها قلم مورد پرسش قرار می‏گیرند و سپس جمع‏بندی‏ می‏شوند،اغتبار بیشتری دارند.

(2)ماخذ: World Development Indicators 2005

(3)ماخذ: World Development Indicators 2005